

گزارش «فرهیختگان» از مددجویان رأی باز در کارگاه‌های تولیدی خارج از زندان در گیلان

اینجا به جای ماهی‌دادن، ماهیگیری یاد می‌دهند



فاطمه قدیری خبرنگار گروه جامعه

عفو گسترده‌ای که اخیراً به دستور رهبر معظم انقلاب و با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه صورت گرفت، تنها یک تصمیم قضایی نبود؛ بلکه به مثابه شسوک اجتماعی و اقتصادی، رگه‌های تازه‌ای از امید را در تار و پود جامعه ایران جاری ساخت. آزادسازی حدود هفتاد هزار زندانی در سراسر کشور، معنایی فراتر از تخلیه بندهای شلوغ زندان‌ها داشت. این اقدام، یک بار دیگر نگاه غالب به مفهوم «مجازات» را دگرگون کرد و مسیر تازه‌ای را به سوی «اصلاح، بازپروری و بازگشت» هموار ساخت. البته عفو اخیر در نقاط مختلف کشور رنگ‌وبوی خاصی پیدا کرده است؛ چراکه هم‌زمان با آزادسازی مددجویان، تجربه‌های متنوعی در زمینه «اقتصاد پس از عفو» و به‌ویژه اشتغال زندانیان رأی باز در حال شکل‌گیری است.

زندانیان رأی باز، آن دسته از محکومانده که باری دادگاه و تحت‌نظارت سازمان زندان‌ها، امکان کار و فعالیت اقتصادی در بیرون از زندان را پیدا می‌کنند؛ آنان صبحگاهان در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی مشغول کار می‌شوند و شامگاهان به زندان یا خانه‌های خود بازمی‌گردند. این سازوکار، در واقع پلی میان حبس و آزادی کامل است؛ پلی که نه تنها از فرسایش نیروی انسانی و اتلاف سرمایه اجتماعی جلوگیری می‌کند، بلکه از همان روزهای تحمل مجازات، فرد را به چرخه اقتصاد و جامعه بازمی‌گرداند. به بیان دیگر، رأی باز به معنای جدایی از بندهای بسته و ورود به عرصه‌ای است که در آن «کفیر» با «کار» گره می‌خورد و فرصت بازسازی شخصیت و هویت اجتماعی فراهم می‌شود.

بازدید اخیر قوه قضائیه از واحدهای تولیدی تحت نظارت بنیاد تعاون زندانیان در گیلان و دیگر شهرها، ابعاد تازه‌ای از این رویکرد را نمایان کرد. آنچه در این بازدید دیده شد، دیگر تصویر کلیشه‌ای از زندانی منفعل و منزوی که هر روز چوب‌خط جدیدی به روزشمار حبس خود اضافه می‌کند نبود؛ بلکه نمای بود از مردان و زنانی که در کنار تحمل مجازات، در کارگاه‌های مبل‌سازی، بسته‌بندی مواد غذایی، پرورش ماهی خاویاری، تولید سنگ مصنوعی، پالت‌سازی و حتی صنایع دستی چوبی مشغول کارند. حقوق می‌گیرند، تجربه می‌اندوزند و آینده‌ای تازه‌را در ذهن می‌پروراندند. بسیاری از آن‌ها با مهارت‌های کسب‌شده در همین دوران، پس از عفو یا پایان محکومیت، به بازار کار بازمی‌گردند و بعضاً خود به کارآفرینانی بدل می‌شوند که چرخ اقتصادی خانواده و حتی جامعه را به حرکت درمی‌آورند.

اما نتیجه به این روند جلوه‌ای متمایز می‌بخشد، پیوند عفو با سازوکارهای حمایتی و اقتصادی است. اعطای وام‌های کم‌بهره، نظارت بر هزینه‌کرد سرمایه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد فرصت‌های شغلی در داخل و خارج از زندان، همه و همه به این معناست که عفو، تنها آغاز فیزیکی نیست؛ بلکه آغاز دوره‌ای تازه به نام «اقتصاد پس از عفو» است. در چنین بستری، زندانی رأی باز نه یک بی‌رویه رهاشده و بی‌سرنوشت، بلکه عاملی فعال در چرخه تولید و توسعه است؛ رویکردی که در استان‌های مختلف ایران پهنوار به‌طور عینی و ملموس می‌توان نشانه‌های آن را دید.

بیش از ۶۳۵ زندانی مشغول به کارند

مفهوم زندانی رأی باز در ایران، به‌ویژه طی سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از نوآورانه‌ترین شیوه‌های اجرای مجازات مورد توجه قرار گرفته است. در این الگو، فرد محکوم از حصارهای بسته زندان فاصله می‌گیرد؛ اما همچنان در چهارچوب نظارت دستگاه قضایی باقی می‌ماند. رأی باز به او اجازه می‌دهد هر روز صبح وارد کارگاه‌های تولیدی، واحدهای صنعتی یا فعالیت‌های خدماتی شود و در پایان روز به زندان یا منزل شخصی خود بازگردد. این نظام، برخلاف تصویری که هنوز در بخشی از افکار عمومی وجود دارد، به معنای رهاسازی بی‌قید و شرط نیست؛ بلکه شکلی از مجازات است که در آن کار، نظم و مسئولیت‌پذیری با فرایند اصلاح و بازپروری گره می‌خورد. در استان گیلان، اجرای طرح رأی باز ابعاد گسترده‌تری یافته است. آمارها نشان می‌دهد هم‌اکنون بیش از ۶۳۵ زندانی در قالب این طرح تنها درکارگاه‌های طرف قرارداد بنیاد تعاون مشغول به کارند. از این میان حدود ۱۹۰ نفر در شش کارگاه داخل زندان لاکان فعالیت می‌کنند و سایرین در کارگاه‌های بیرون از زندان تحت نظارت بنیاد تعاون و انجمن حمایت از زندانیان اشتغال دارند. این مدل در عمل به معنای بازگرداندن نیروی انسانی از دست‌رفته به چرخه تولید است؛ نیرویی که پیش‌تر بار هزینه‌ای بر دوش جامعه داشت، اکنون بدل به بازیگری فعال در اقتصاد محلی و حتی ملی می‌شود.

پرداخت دستمزد به زندانیان رأی باز نیز مطابق دستورالعمل رسمی سازمان زندان‌ها صورت می‌گیرد. درآمد آنان نه تنها در بهبود معیشت خانواده‌هایشان مؤثر است، بلکه امکان پس‌انداز برای دوران پس از آزادی را نیز فراهم می‌آورد. بسیاری از زندانیان با این درآمد توانسته‌اند برای فرزندان خود هزینه تحصیل بپردازند یا بدهی‌های کوچک خانوادگی را تسویه یکنند و می‌توان گفت این همان اقدام درستی است که از بازتولید فقر و جرم جلوگیری می‌کند.

از پشت میله‌های زندان تا درآمد ۲۵۰ میلیون تومانی

عفو اخیر که منجر به آزادی حدود ۷۰ هزار زندانی شد، نقطه‌عطفی در تاریخ قضایی کشور به شمار می‌آید. این تصمیم، همان‌طور که مقامات قضایی تأکید کرده‌اند، تنها شامل محکومان جرایم سبک، غیر عمد و دارای شرایط خاص اجتماعی و خانوادگی شده است؛ بدین معنا که نگرانی‌های عمومی درباره افزایش ناامنی بی‌اساس است. آزادسازی این حجم از زندانیان، علاوه

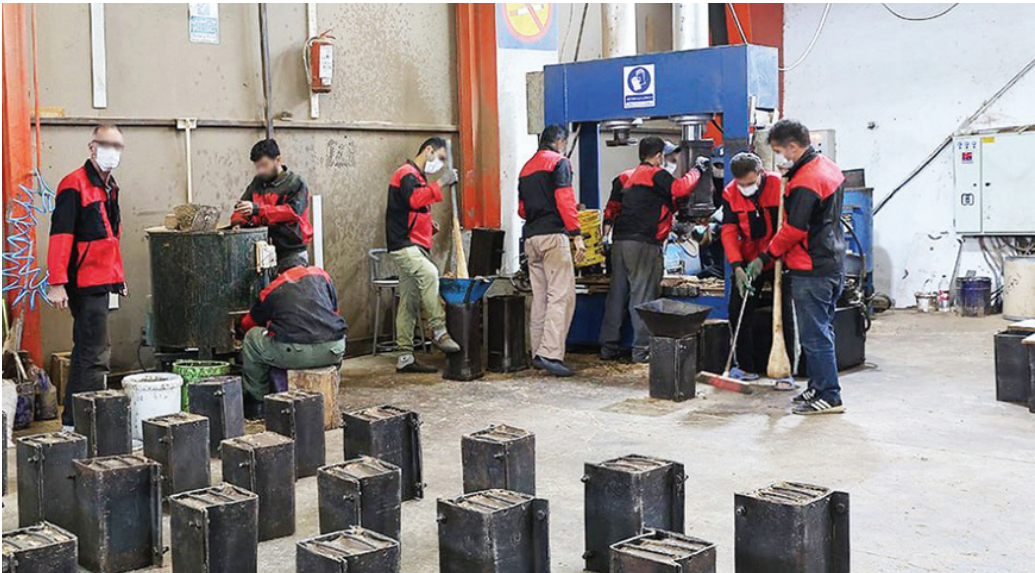


آزادشدگانی است که دل کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، معنا و هویت تازه‌ای برای زندگی خود یافته‌اند. یکی از مددجویان کارگاه پالت‌سازی می‌گوید: «ایسن کارگاه فرصت یادگیری را برای من فراهم کرد. پیش‌تر، با وجود آنکه از گذشته خود شرمسار بودم، هیچ حرفه‌ای بلد نبودم و امید ی به اشتغال نداشتم؛ اما امروز می‌دانم که من هم مانند دیگران امکان یادگیری و کسب درآمد شرافتمندانه را دارم.» این سخن ساده، به‌روشنی پیوند مستقیم اشتغال با امید به آینده را نشان می‌دهد و یادآور آن است که کار در زندان صرفاً وسیله‌ای برای گذران وقت نیست، بلکه بستری برای بازآفرینی هویت و معناست. زنی که به جرم همکاری در قتل دوران محکومیت خود را می‌گذراند، از رنج‌هایی می‌گوید که دختر نوجوانش پیش از اجرای طرح رأی باز تجربه کرده و حتی اقدام به خودکشی داشته است. او می‌گوید: «حالا هر روز بعد از ساعت سه می‌توانم کنار دخترم باشم. حضور من، شرایط او را تغییر داده و منظم تا پس از رسیدن دخترم به سن قانونی و گرفتن رضایت، برای همیشه در کنارش بمانم.» این روایت، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که رأی باز چگونه می‌تواند شکاف‌های خانوادگی را التیام بخشد.

در کارگاه تولید خوشبوکننده‌ها، زنی دیگر با جرمی مرتبط با مواد مخدر مشغول کار است. او هفت‌سال محکومیت دارد و می‌گوید: «پنج‌سال از این محکومیت را بدون حتی یک روز مرخصی گذرانده‌ام. اما امکان کار کردن در این مجموعه باعث شد دوران حبس برایم قابل تحمل‌تر شود و امید به آینده داشته باشم.» جوانی که امروز در تعمیرگاه مشغول است، گذشته‌ای پرخطا در قاچاق دارو داشته است. او اعتراف می‌کند: «اشتباه بزرگی کردم و همیشه نگران بودم که نتوانم جبران کنم. اما وقتی به این مجموعه آمدم، راهی‌برای جبران پیش‌رویم قرار گرفت. امیدوارم روزی برسد که دیگر حتی نیازی نباشد به گذشته‌ام اشاره کنم.» مادر سالخورده‌ای نیز در میان زندانیان رأی باز دیده می‌شود؛ زنی دیگر که به دلیل جرایم مالی در زندان است. او از خیانت فرزندش در امانتی که به او سپرده بود سخن می‌گوید؛ پسری که پس از ایجاد مشکلات، مادر بیمار و سالخورده‌اش را تنها گذاشت. این زن با چهره‌ای خسته اما امیدوار می‌گوید: «اگر قاضی و کسانی که رأی باز را ممکن کردند نبودند، من با بیماری‌هایم مجبور بودم در زندان بمانم. حالا می‌توانم در این کارگاه بسته‌بندی کار کنم و بعد به خانه بازگردم. امیدوارم با کمک تسهیل‌گران هرچه زودتر دوران محکومیتم پایان یابد.» و سرانجام، زندانی دیگری در کارگاه مبل‌سازی با نگاهی امیدوارانه می‌گوید: «پیش‌تر هیچ تجربه‌ای در این حرفه نداشتم، اما امروز می‌توانم بیمان باکیفیت تولید کنم و به آینده‌ای مستقل فکر کنم.» چنین روایت‌هایی، وقتی در کنار آمارها و برنامه‌های کلان قرار می‌گیرند، به‌روشنی نشان می‌دهند که «اقتصاد پس از عفو» صرفاً یک شعار یا سیاست روی کاغذ نیست، بلکه واقعیتی ملموس در زندگی انسان‌هایی است که روزی در حاشیه بوده‌اند و اکنون در مسیر بازگشت به جامعه گام برمی‌دارند.

آیا اقتصاد پس از عفو پایدار است؟

هر چند تجربه گیلان و چند شهر دیگر نشان داده است که اقتصاد پس از عفو



می‌تواند الگوی موفق‌ی برای بازگشت زندانیان به جامعه باشد، اما نباید از چالش‌ها و نگرانی‌های موجود غافل شد. نخستین نگرانی، پایداری این اشتغال‌هاست. بسیاری از زندانیان در دوران حبس یا رأی باز در کارگاه‌ها مشغول می‌شوند، اما پس از آزادی کامل، ممکن است کارفرمایان خصوصی یا حتی بنیاد تعاون نتوانند فرصت‌های کافی برای ادامه همکاری آنان فراهم کنند. در چنین شرایطی، خطر بیکاری و حتی بازگشت به چرخه جرم وجود دارد. لازمه جلوگیری از این اتفاق این است که هرچه سریع‌تر نهادهای دولتی دیگر و بخش خصوصی به کمک قوه قضائیه آمده تا درصد این احتمال را تا حد ممکن کاهش دهند. مسئله دیگر، نگاه جامعه به آزادشدگان است؛ هرچند آنان مهارت آموخته و وام دریافت کرده‌اند، اما همچنان برچسب «زندانی سابق» می‌تواند مانعی جدی برای استخدام یا اعتماد کارفرما باشد. تغییر این نگاه اجتماعی نیازمند اطلاع‌رسانی گسترده و ارائه الگوهای موفق است تا جامعه در پاید زندانی آزاد شده الزاماً مجرم خطرناک نیست، بلکه انسانی است که فرصت بازگشت یافته است.

چالش دیگر، مسئله نظارت بر وام‌ها و سرمایه‌های پرداخت‌شده است. اگر چه اداره کل زندان‌ها و مرکز خدمات اجتماعی بر نحوه هزینه‌کرد وام‌ها نظارت می‌کنند، اما همواره خطر انحراف سرمایه به سمت فعالیت‌های غیرمولد وجود دارد. استمرار این نظارت‌ها و هدایت آزادشدگان به سمت کارگاه‌ها و فعالیت‌های زودبازده، شرط اساسی موفقیت است. با وجود این نگرانی‌ها، تجربه گیلان نشان می‌دهد که وقتی همه‌نهاده‌ا قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها تا بنیاد تعاون، بانک‌ها و حتی کارفرمایان خصوصی در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند مدلی بسازند که نه تنها به نفع زندانیان بلکه به سود جامعه باشد.

گیلان؛ الگویی برای سایر استان‌ها

استان گیلان به‌واسطه موقعیت جغرافیایی، ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی و همچنین تجربه‌های موفق در اجرای طرح رأی باز، امروز می‌تواند به الگویی برای سایر استان‌های کشور بدل شود. در این استان، بیش از ۱۴۰۰ زندانی در کارگاه‌های مختلف مشغول به کارند و حقوق دریافتی آنان در برخی موارد به ۱۲ میلیون تومان نیز می‌رسد. این رقم در مقایسه با میانگین درآمد بسیاری از کارگران آزاد، نشان‌دهنده جدیت و ارزش فعالیت‌های اقتصادی زندانیان است. علاوه بر این، طرح‌های بزرگی همچون باغ ۵۰۰ هکتاری زیتون برای اشتغال زندانیان، نشان می‌دهد که نگاه مدیران زندان‌های گیلان تنها محدود به فعالیت‌های کارگاهی کوچک نیست، بلکه طرح‌های کلان کشاورزی نیز در دستورکار قرار دارد. سالانه حدود ۴۰۰ نفر زندانی در این باغ به‌صورت دوره‌ای مشغول کار می‌شوند و حتی خانواده‌های آنان نیز در این فعالیت‌ها مشارکت دارند. این نوع طرح‌ها، می‌تواند در استان‌های دیگر نیز الگو برداری شود و از ظرفیت‌های محلی برای اشتغال زندانیان بهره گرفته شود.

در مقیاس‌های کوچک‌تر نیز کارگاه تولیدکننده خوشبوکننده‌های بدن و صنایع دستی چوبی وجود دارند. در کارگاه تولید خوشبوکننده‌ها، مددجویان محصولات ی از بادی اسپنل تا ادکلن تولید می‌کنند. دستمزد آنان به‌صورت ساعتی و حدود ۳۵ هزار تومان برای هر ساعت پرداخت می‌شود. برای بسیاری از ایسن زندانیان، تجربه تولید یک کالای لوکس و رقابت در بازار، تجربه‌ای کاملاً جدید است؛ تجربه‌ای که می‌تواند پس از آزادی به راه‌اندازی کارگاه‌های کوچک خانگی یا همکاری با بخش خصوصی بینجامد. در بخش صنایع دستی چوبی نیز زندانیان محصولات همچون ظروف و قطعات چوبی تزئینی تولید می‌کنند. یکی از کارآفرینان این حوزه می‌گوید: «هدف اصلی این‌مان این بود که به مددجویان فرصت کاری بدهیم و در عین حال به تولید ملی هم کمک کنیم.» این نگاه، نشان‌دهنده هم‌افزایی میان منافع فردی و اجتماعی است؛ زندانیان شغل پیدا می‌کنند و جامعه نیز از تولید ملی و اشتغال پایدار سود می‌برد.

گیلان با اجرای موفق طرح رأی باز، نشان داده که می‌توان از نیروی انسانی زندانیان نه تنها برای کاهش هزینه‌های زندان بلکه برای رونق اقتصادی و توسعه محلی نیز استفاده کرد. چنین الگویی، اگر در سطح ملی گسترش یابد، می‌تواند اثرات عمیقی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و بازگشت آزادشدگان به جامعه داشته‌باشد. **اقتصاد پس از عفو به مثابه سیاست اجتماعی**

اقتصاد پس از عفو تنها یک پروژه اقتصادی نیست، بلکه نوعی سیاست اجتماعی است. این سیاست بر پایه چند اصل استوار است: نخست آنکه مجازات نباید به معنای حذف کامل فرد از جامعه باشد، بلکه باید فرصتی برای اصلاح و بازگشت فراهم آورد. دوم آنکه بازگشت زندانیان به جامعه بدون تأمین معیشت پایدار امکان‌پذیر نیست؛ اشتغال و آموزش مهارت شرط لازم این بازگشت است. سوم آنکه این فرایند تنها در صورتی موفق خواهد بود که همه نهاده‌ا، از دولت و قوه قضائیه گرفته تا بنیاد تعاون، بخش خصوصی و خانواده‌ها، در کنار هم قرار گیرند.

گیلان نشان داده که این اصول، اگر به‌درستی اجرا شود، می‌تواند نتایجی ملموس از کاهش جمعیت کیفری، افزایش درآمد زندانیان و خانواده‌های آنان گرفته، تا کاهش نرخ بازگشت به جرم و در نهایت تقویت اقتصاد محلی به بار آورد.

البته این مسیر بدون چالش نیست و نیازمند استمرار حمایت‌ها، نظارت دقیق و تغییر نگرش عمومی نسبت به آزادشدگان است.

نگاه به اقتصاد پس از عفو زندانیان، بیش از هر چیز به ما یادآوری می‌کند که

انسان‌ها را نباید با خطاهایشان تعریف کرد. زندانیان آزادشده، اگر فرصتی

دوباره به آنان داده شود، می‌توانند به کارآفرینان، کارگران و تولیدکنندگانی

تبدیل شوند که نه تنها بار هزینه‌ای بر دوش جامعه ندارند، بلکه به چرخ

اقتصاد کشور نیز کمک می‌کنند. در نهایت، تجربه گیلان گواهی است بر

این حقیقت که عفو، اگر با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی همراه شود،

می‌تواند از یک اقدام قضایی به پروژه‌ای برای بازسازی سرمایه اجتماعی

و انسانی بدل شود.